

کارخانه همه کاره



کتابخانه درفش کاویانی

کتابخانه درفش کاویانی افتخار دارد تا بهترین و برترین کتاب های پارسی را در اختیار علاقه مندان و عاشقان کتاب قرار بدهد

تقدیم به تمام پارسی زبان های جهان



کارخانه همه کاره

نوشتہ و نقاشی نورالدین زرین کلک



(Φ)

کارخانه همه کاره

نوشته و نقاشی نورالدین زرین کلک

برای گروههای سنی «ب» و «ج»

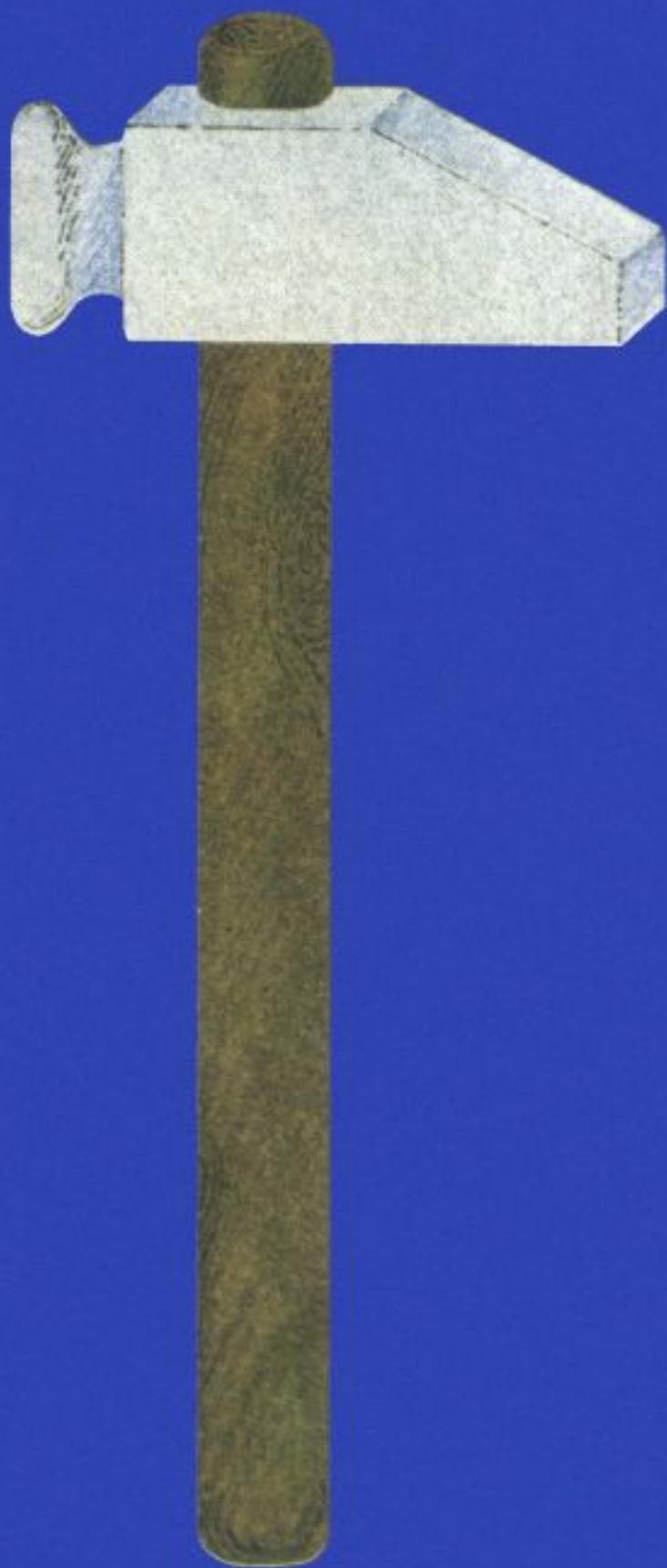
به نام خدا

پدرم در خانه کارگاه کوچکی دارد که بیشتر وسائل خانه را در آنجا تعمیر می‌کند.
مادرم به پدرم می‌گوید:

«پایه صندلی ناهارخوری لق شده... کی می‌رسی آن را درست کنی؟»
یا «دستگیره در آشپزخانه خراب شده...»
یا «زنگیر سه چرخه بچه از جایش درآمد...»
یا «شیر دستشویی چکه می‌کند...»

وقتی پدرم در کارگاهش کار می‌کند، من او را تماشا می‌کنم و بعضی وقتها هم به او کمک می‌کنم.
پدرم با غصه خانه را هم خودش گلکاری می‌کند و حتی گاهی کارهای کوچک بنایی را انجام می‌دهد. ابزارهایی که پدرم با آنها کار می‌کند چیزهای جالبی هستند.

پدرم اسم آنها را به من می‌گوید و کاری را که این ابزارها می‌توانند بگشند برایم توضیح می‌دهد؛
مثلًا:



این چکش است.
با چکش میخ می‌کوبند.
چکش را اصلاً برای ضربه زدن ساخته‌اند.

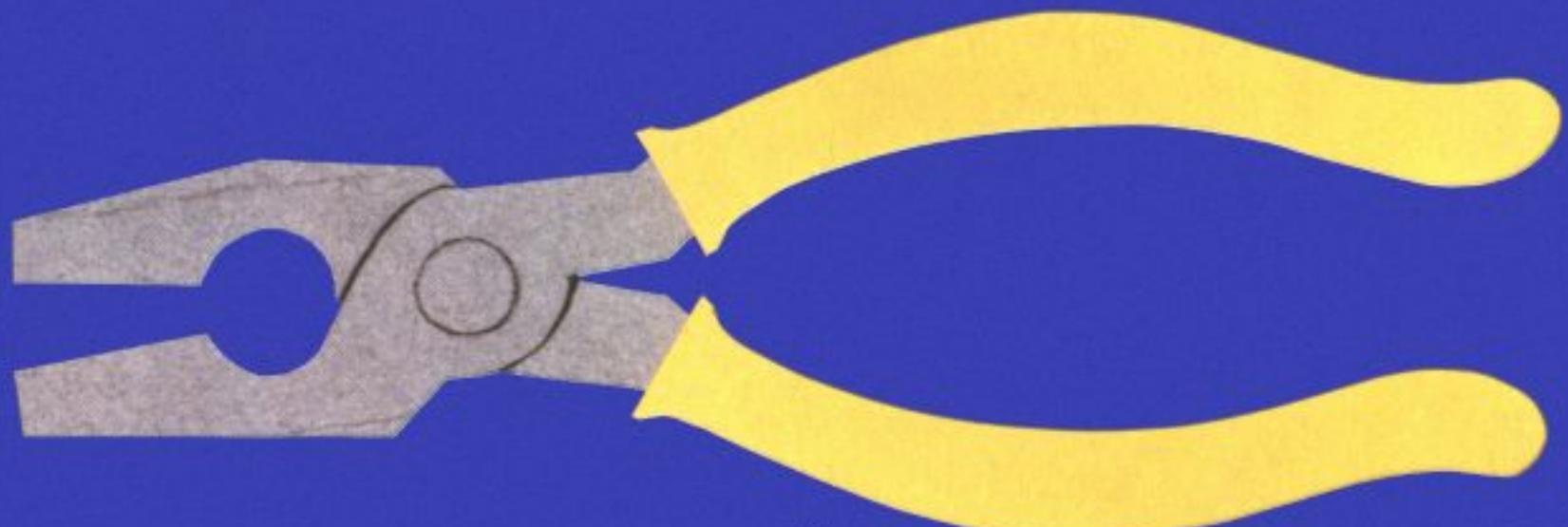


آچار پیچ گوشتی



آچار مهره

اینها دو جور آچارند.
آچارها برای بستن یا باز کردن
پیچ‌ها و مهره‌ها به کار می‌روند.



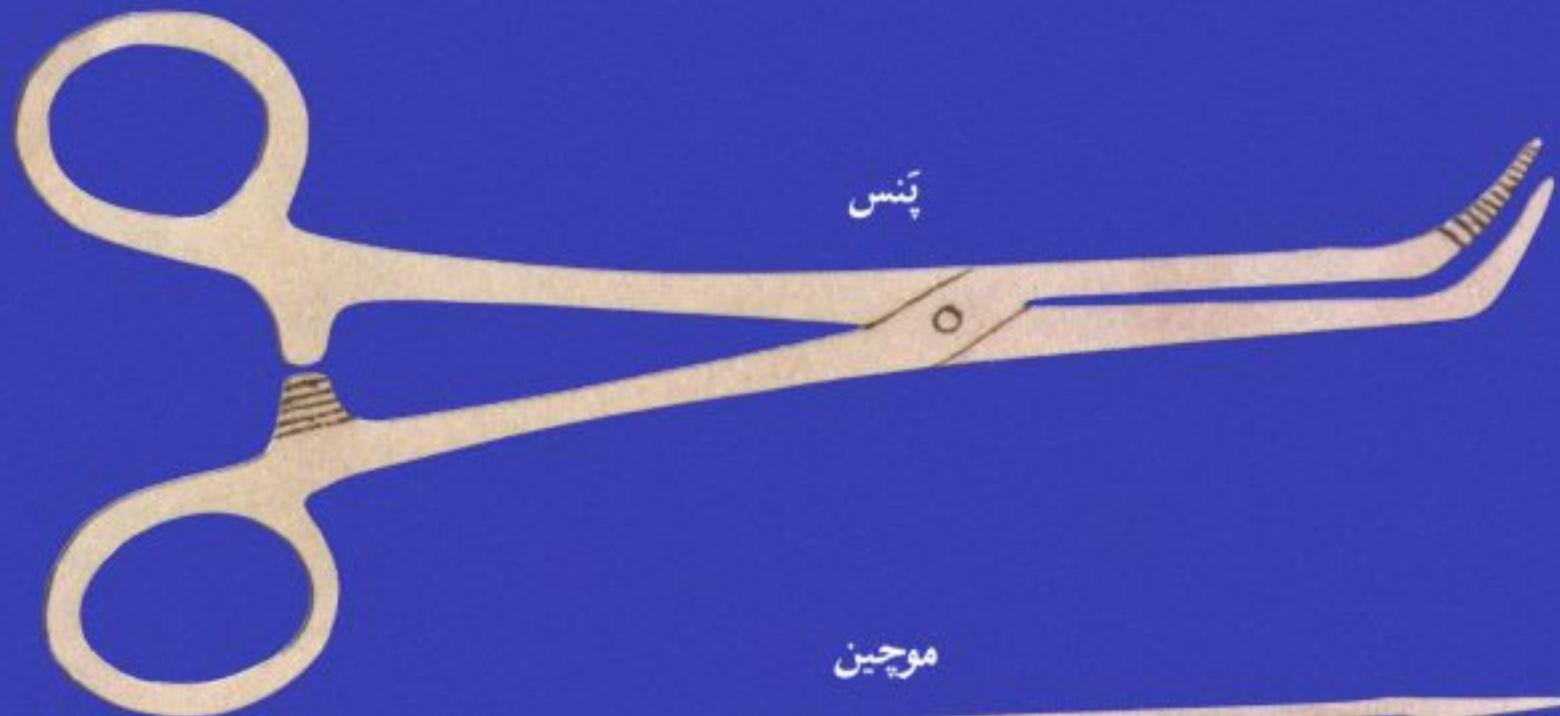
انبردست



گازانبر



این هم یک جورآچار دیگر: آچار فرانسه

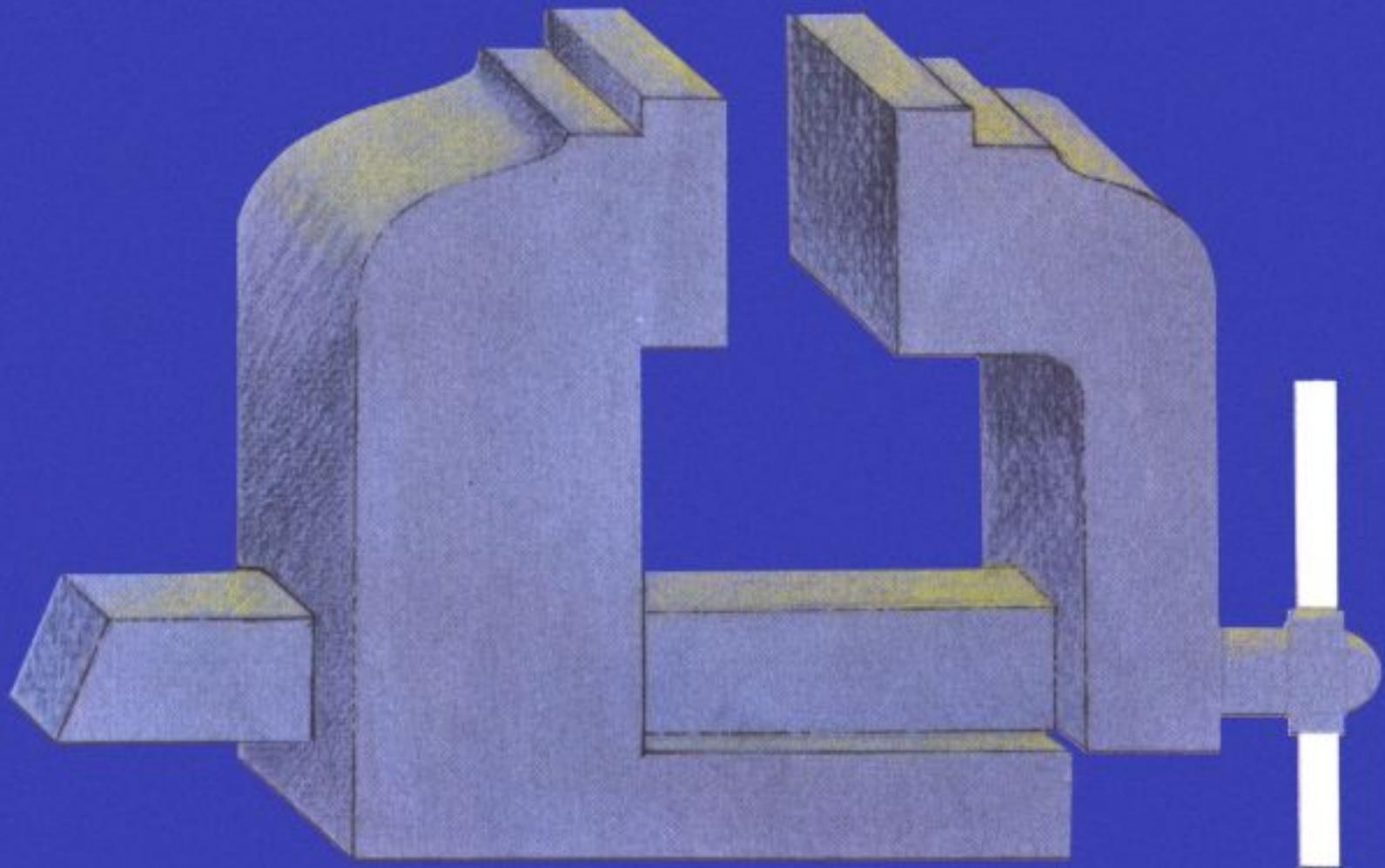


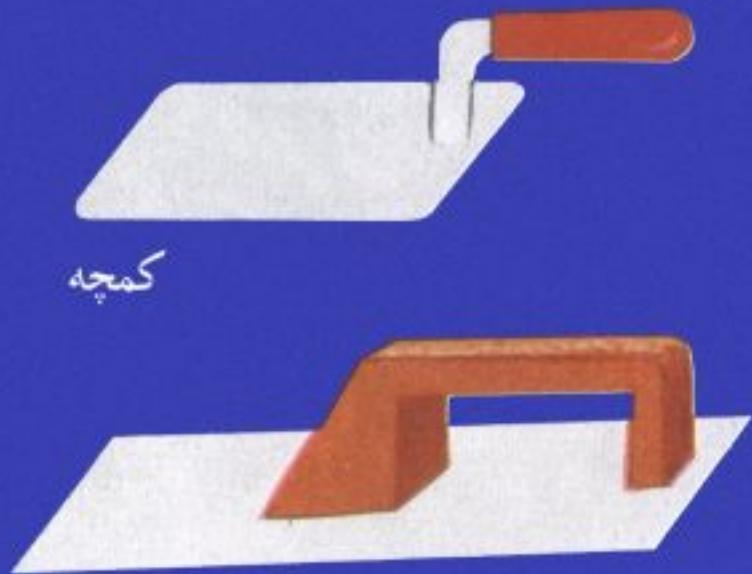
این ابزارها برای «گرفتن» ، «نگه داشتن» ، «کشیدن» و «کندن» هستند.



این قلاب و حلقه و طناب است.
طناب و حلقه و قلاب برای
بستن، پیوستن، و آویختن است.

گیره برای فشردن یا ثابت نگه داشتن است.





کمچه

ماله



شنس



بیل

بیلچه

با بیل و بیله خاک را برمی دارند.
با ماله و کمچه گل و گچ و سیمان را صاف می کنند.
کارشنکش این است که خردۀ ریزهایی مثل
برگ و خاشاک را جابه جا می کند.
پدرم در کارگاه یا در با غچه، بیشتر وقتها با این ابزارها کار می کند.

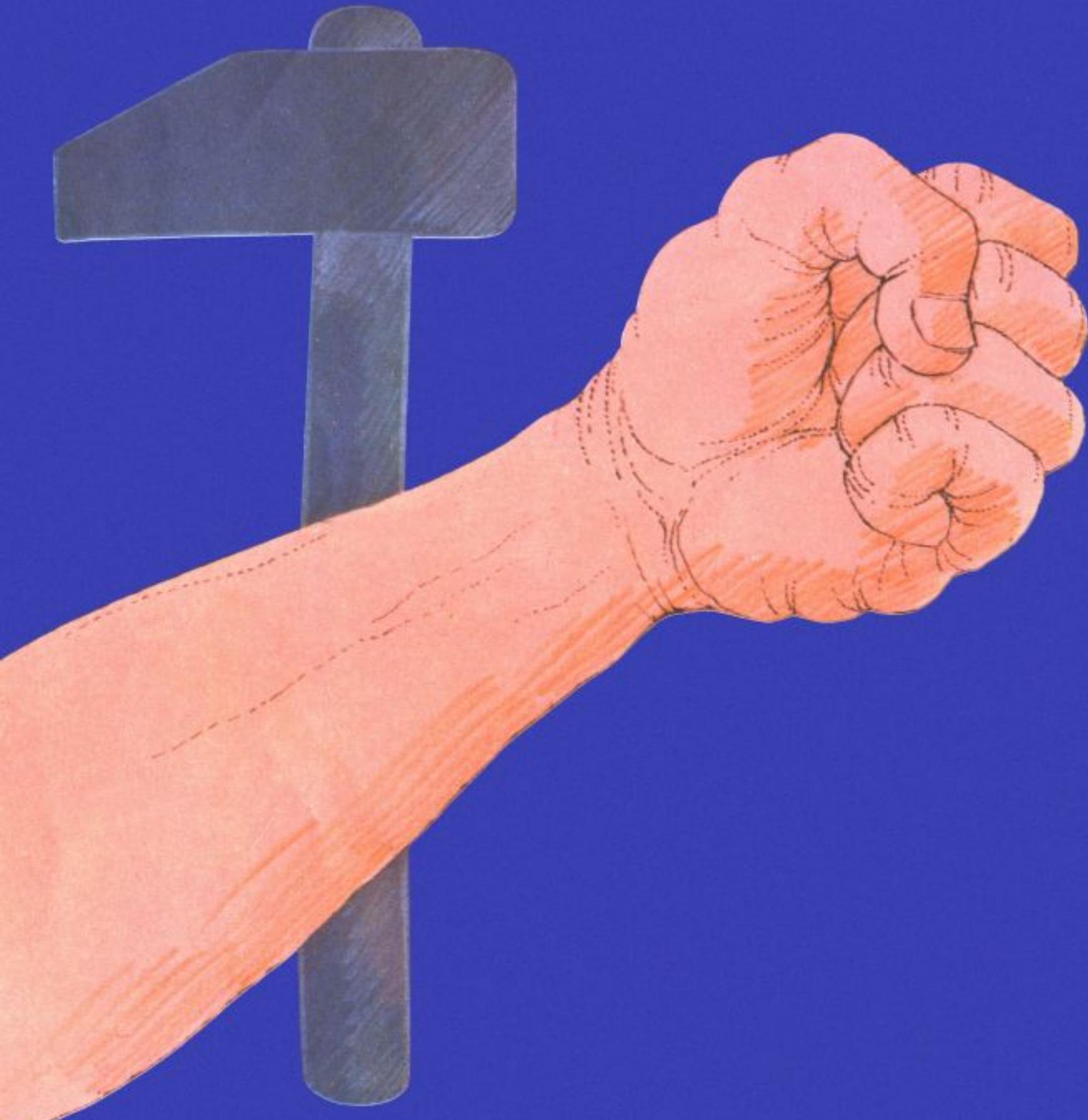
اما همیشه این طور نیست.

خیلی از وقتها هم کارها را فقط با دستهایش — بدون ابزار — انجام می‌دهد.

پدرم می‌گوید: «آدم تقریباً همه ابزارها را در خودش دارد.»

مشت آدم وسیله ضریبه زدن اوست.

چکش را از روی مشت آدم درست کرده‌اند.





آچار آدم انگشتهای او هستند.





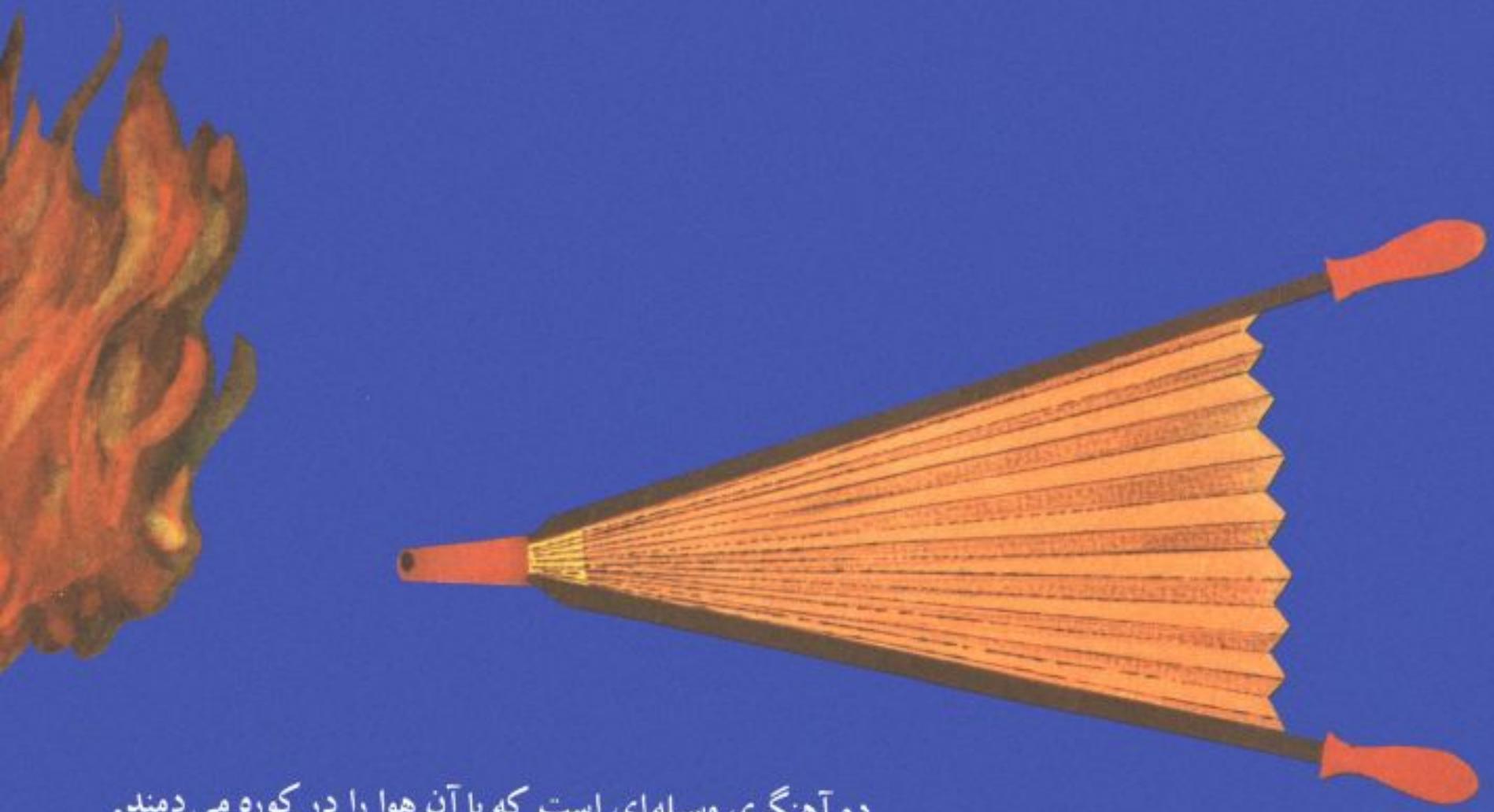
دست آده کار قلاب و حلقه را می‌کند.





دست آدم نه تنها مثل بیلچه و بیل کار می‌کند، بلکه از عهدۀ کارِ فاشق، ملاقه، پیاله، بشقاب،
کاسه، و سینی هم برمی‌آید.





دم آهنگری وسیله‌ای است که با آن هوا را در گوره می‌دمند.



ریه آدم (دم) اوست.

کاری که جارو برقی می‌کند ممکن است.





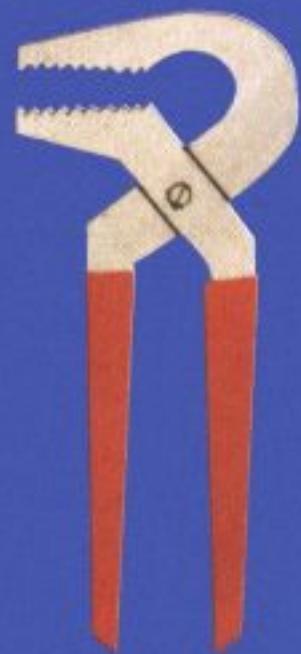
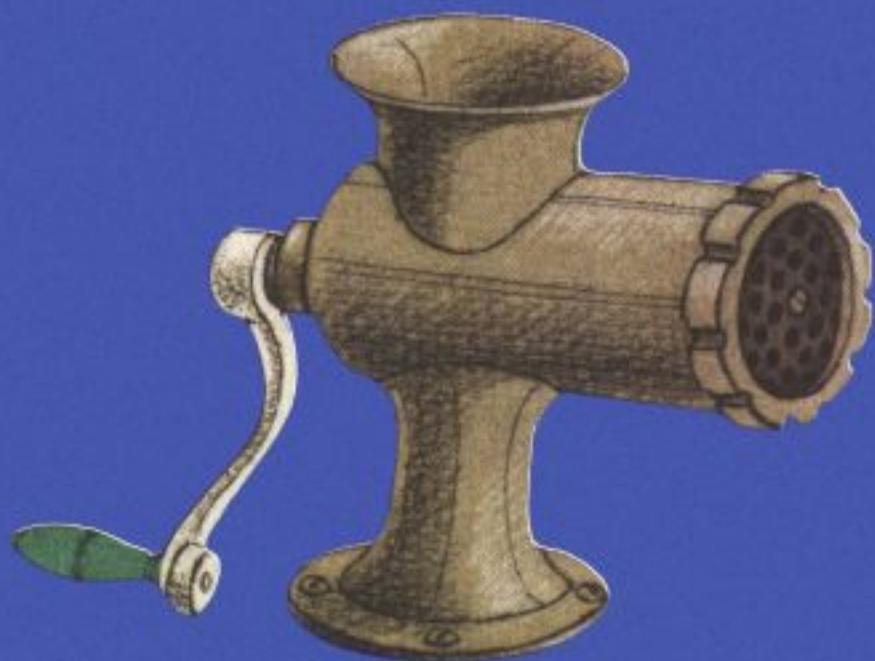
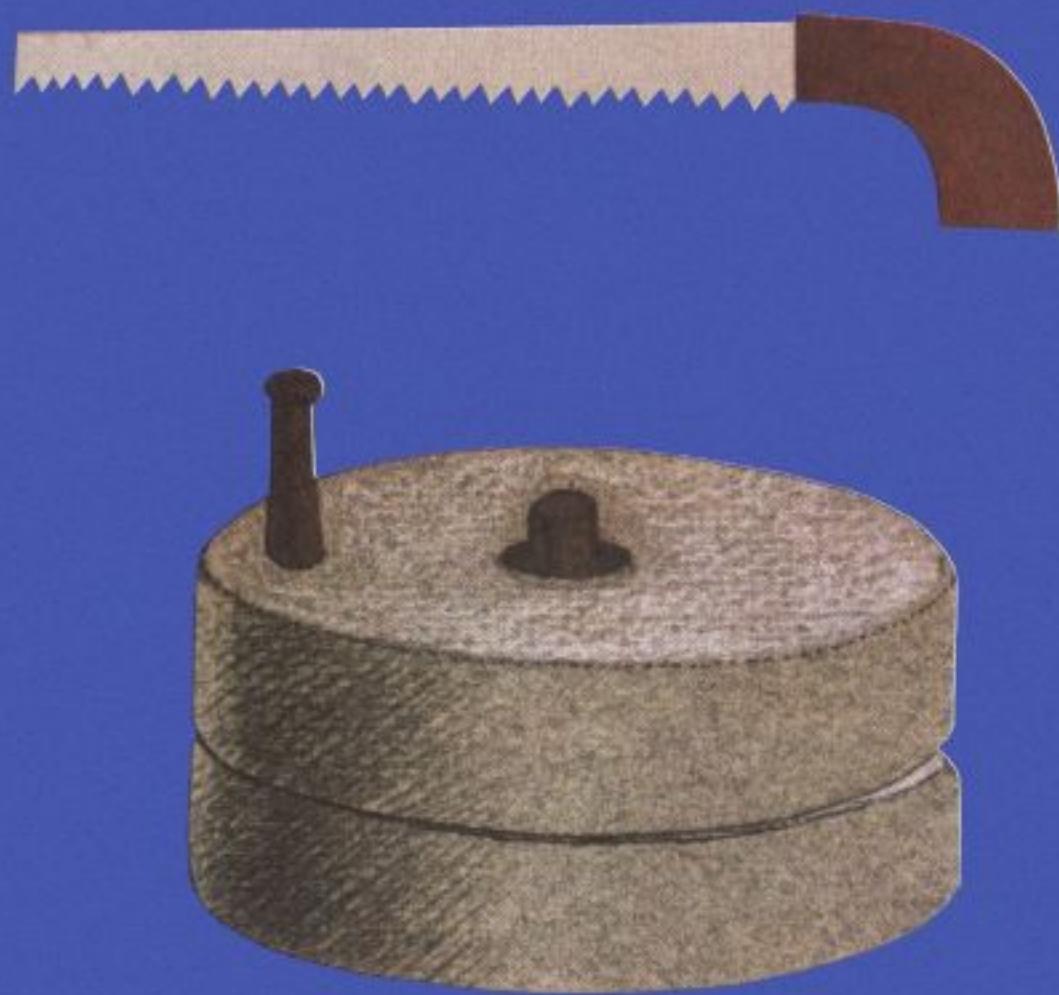
آدم هم یک دستگاه مکنده دارد.

پدرم برای ترکردن پشت تمبر و درپاکت پستی و برای نخ کردن سوزن‌ش از آب دهانش استفاده می‌کند. گاهی هم انگشت‌ش را با آب دهانش مرطوب می‌کند و با آن چیزهای خیلی سبک یا خیلی ریز را بلند می‌کند.

دهان آدم مخزن آب و چسب اوست.

مادر بزرگ برای پاک کردن شیشه عینکش اول به آن چند بار «ها» می‌کند تا بخار نفسش تمام سطح شیشه عینک را بپوشاند.

پدرم می‌گوید: «کتری آدم همیشه بخارآماده دارد!»
دندانها کار گیره و قیچی و اره و هاون و چرخ گوشت و آسیاب را می‌کنند.



هر وقت خیلی سردم می شود پدرم مرا در آغوش می گیرد و گرم می کند.
آدم فکر می کند تون او یک بخاری روشن است.



جرثقیل ساختمانی



هر کدام از این ابزارهای بزرگ
 فقط یکی از کارهای آدم را می‌تواند بکند،
 اگرچه به مقدار بیشتر و در اندازه‌های بزرگتر.

جرثقیل متحرک





آدم یک جرثقیل کوچک همه کاره است.

آدم خودش یک باطربزرگ، بلکه از آن مهمتر، یک کارخانه برق خودکار است که نیروی لازم برای همه کارهایش را خودش فراهم می‌کند.
از همه اینها گذشته هیچ کارخانه‌ای چرخ یا وسیله‌ای برای حرکت کردن ندارد، اما آدم کارخانه‌ای است که راه هم می‌رود.

پدرم می‌گوید:

«آدم خیلی بیشتر از اینهاست و با ابزارهایی که در خودش دارد، کارهای زیادی می‌تواند بکند. حالا دیگر با خودت است که آن ابزارها و کارها را پیدا کنی.»



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان